

The role and function of presupposition in the proverbs of Nahj al-Balagha

seyyed mehdi masboogh¹

Professor of Arabic Language and Literature, Bu- Ali Sina University, Hamedan, Iran

Hosein Rajabi Ala

PhD in Arabic Language and Literature, Bu- Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract

Pragmatics examines language in a specific context and situation to explain the speaker's goals and intended meanings that he intends to convey to the audience. "presupposition", as one of the components of linguistics, examines the information that previously existed between the speaker and the listener, and the speaker assumes that the listener is aware of some information. As a religious and valuable book, Nahj al-Balagha is considered an important and rich source for human guidance. Undoubtedly, settling for its apparent meanings means not understanding the valuable concepts of this eternal book. Moreover, in the depth of his apparent words, he points to deep issues that require more detailed examination and study. In this research, using the descriptive-analytical method and the pragmatic cognitive approach, 90 examples of Nahj al-Balagha proverbs were criticized and analyzed based on the book "Proverbs and wisdom extracted from Nahj al-Balagha" written by Mohammad Al-Gharavi. The way to read and get a more accurate understanding of the predictions hidden in these proverbs. The results of his research showed that Imam Ali presented his desired moral, social and political concepts in the form of words and phrases with hidden meanings, which shows Imam Ali's linguistic and communication ability. in the path of achieving these hidden meanings, relying on structural, existential, realistic and unrealistic presupposition, he has established a better relationship with the audience and the assumptions hidden in his mind than the audience to invite more to think and reflect on the meanings hidden in proverbs.

Keywords: Linguistics, Pragmatics, Presupposition, Proverbs, Nahj al-Balagha.

¹ Corresponding Author. Email: mmm@basu.ac.ir

نقش و کارکرد پیش‌انگاری در تبیین ضرب‌المثل‌های نهج‌البلاغه

سید مهدی مسبوق (استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران، نویسنده مسئول)^۱

حسین رجبی علا (دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران)

چکیده

کاربردشناسی به بررسی زبان در بافت و موقعیتی خاص می‌پردازد تا اهداف گوینده و معانی مورد نظری را که قصد انتقال آن به مخاطب را دارد، توضیح دهد. «پیش‌انگاری»، به عنوان یکی از مولفه‌های کاربردشناسی زبان، به بررسی اطلاعاتی می‌پردازد که پیشتر میان گوینده و شنونده وجود داشته و گوینده فرض می‌کند، شنونده از برخی اطلاعات آگاهی دارد. نهج‌البلاغه به عنوان کتابی دینی و ارزشمند، منبعی مهم و غنی برای هدایت بشر به شمار می‌آید. بی‌تردید بسنده کردن به معانی ظاهری آن، به منزله عدم درک دقیق مفاهیم ارزشمند این کتاب جاوید است؛ چه آنکه در عمق الفاظ ظاهری خود، به موضوعاتی ژرف و عمیق اشاره می‌کند که نیازمند بررسی و مطالعه دقیق‌تری است. در جستار پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کاربردشناختی، تعداد ۹۰ نمونه از ضرب‌المثل‌های نهج‌البلاغه بر اساس کتاب «الأمثال و الحكم المستخرجه من نهج‌البلاغه» نوشته محمد الغروی، مورد نقد و تحلیل قرار گرفت تا از این رهگذر خوانش و درک دقیق‌تری از پیش‌انگاری‌های نهفته در این امثال به دست آید. نتایج پژوهش نشان داد که امام علی (ع) مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی مورد نظر خویش را در قالب واژگان و عبارات دارای مفاهیم پوشیده، مطرح نموده‌اند که بیانگر توانش زبانی و ارتباطی امیر بیان (ع) است. ایشان در مسیر دستیابی به این معانی نهفته، با تکیه بر پیش‌انگاری‌های ساختاری، وجودی، واقعیت‌پذیر و واقعیت‌ناپذیر، ارتباط بهتری با مخاطب و پیش‌فرض‌های نهفته در ذهن او برقرار کرده‌است تا مخاطب را بیشتر به تفکر و تعمق در ورای معانی پوشیده دعوت کند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، کاربردشناسی، پیش‌انگاری، ضرب‌المثل، نهج‌البلاغه.

^۱. رایانامه نویسنده مسئول: smm@basu.ac.ir

تحقیق و مطالعه دقیق درباره هر یک از زبان‌های بشر به ما نشان می‌دهد که زبان، نظامی فوق‌العاده پیچیده، به شدت انتزاعی و بی‌نهایت زایا است که معانی و مفاهیم را با اصوات مرتبط می‌سازد. علمی که به طور تخصصی به تحقیق و بررسی پیرامون این موضوع می‌پردازد، زبان‌شناسی نام دارد. زبان‌شناسی علمی است که حیطه‌های موضوعی وسیع و گسترده‌ای را در خود جای داده است. به عبارتی دیگر زبان‌شناسی علم مطالعه زبان و ابزار برقراری ارتباط میان انسان‌ها است. زبان‌شناسی علم مطالعه پدیده‌ای است که هویت و تفکر انسانی در آن شکل گرفته است. کاربردشناسی (pragmatics) یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی است که به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد. «کاربردشناسی مطالعه معنی است؛ معنایی که گوینده (یا نویسنده) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده) برداشت می‌کند. بنابراین کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفت‌هایشان^۱ سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند» (یول، ۱۳۸۳: ۱۱). یکی از موضوعات مهم در بحث کاربردشناسی، پیش‌انگاری و انواع آن است که با تأثیرگذاری بر مخاطب از طریق شیوه‌هایی از قبیل اشاره به ماهیت حقیقی امور، بیان وظایف شخصی و تکالیف دینی، تبیین وظایف انسانی در قبال دیگران، حمل معانی گسترده و پنهان ذیل یک مسئله، ذکر ابعاد فردی و اجتماعی یک موضوع، اشاره به منشأ رذایل و فضائل و آثار زیان‌بار و مفید آنها، مخاطب را به تدبیر در عمق واژگان و جملات تشویق نماید. از این رو، پژوهش پیش‌رو بر آن است که با خوانش پیش‌انگاشت‌های نهفته در امثال نهج‌البلاغه، به درک دقیق‌تری از مفاهیم نهفته در کلام امام علی (ع) دست یابد. با توجه به پرشمار بودن امثال نهج‌البلاغه، در این پژوهش ۹۰ نمونه از این امثال از کتاب «الأمثال والحکم المستخرجه من نهج‌البلاغه» نوشته محمد الغروی به عنوان پیکره پژوهش انتخاب شده است. پرسش‌های پیش‌روی پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. چه نسبتی میان تبیین پیش‌انگاشت، انتقال معنا و ایجاد فضایی آمیخته از تفهیم و پوشیده سخن گفتن برای مخاطبان وجود دارد؟

۲. کدام‌یک از انواع پیش‌انگاشت در امثال نهج‌البلاغه بروز و ظهور بیشتری دارد؟

برای این پرسش‌ها فرضیه‌های زیر را می‌توان در نظر گرفت:

۱. درک عمیق معانی پنهان با تکیه بر ابزارهای زبانی همچون پیش‌انگاشت‌ها، مخاطب را به تأمل و در نتیجه فهم و دریافت بهتر مفاهیم رهنمون می‌سازد.

۲. از میان انواع مختلف پیش‌انگاشت، پیش‌انگاری‌های وجودی و ساختاری به دلیل وسعت عمل خود در بیان مقاصد امثال نهج‌البلاغه کاربرد بیشتری دارد.

۲. پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارندگان این سطور جستجو نموده‌اند، پژوهشی در خصوص مبحث پیش‌انگاری در امثال نهج‌البلاغه صورت نگرفته است، اما در این میان پژوهش‌هایی با تحلیل انواع پیش‌انگاری انجام شده که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

مقاله «مقایسه مفهوم سماع در آثار سلمی و احمد غزالی بر مبنای الگوی پیش‌انگاشت‌های زبانی» نوشته راضیه حاجتی‌زاده، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۵. نویسنده در این مقاله ضمن بررسی پیش‌انگاری که به منزله گمان‌هایی در خصوص دانش زبانی و جهان بینی نویسنده است، مبحث سماع را که از موضوعات پر مناقشه در تاریخ تصوف به شمار می‌آید و در معرض ارزیابی‌های متعدد و گاه ضد و نقیض قرار می‌گیرد، بررسی نموده و از این نظریه برای درک بهتر مفهوم سماع در آثار سلمی و غزالی استفاده نموده است.

پایان‌نامه «بررسی ساختارهای پیش‌انگاره‌ای در زبان فارسی معیار» نوشته پریسا حاتمی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹. در این پایان‌نامه نویسنده ضمن تأکید بر این نکته که به هنگام ایجاد ارتباط، همواره ذکر بخش وسیعی از اطلاعات ضروری به نظر نمی‌رسد، به بررسی ساختارهای پیش‌انگاره‌ای در زبان فارسی و تعیین عواملی که رقم‌زننده پیش‌انگاری در ساختارها است، پرداخته و محرک‌های پیش‌انگاره‌ای را مورد واکاوی قرار داده است و تقسیم‌بندی لوینسون از محرک‌های پیش‌انگاری در زبان انگلیسی را مبنای کار خویش قرار داده است.

مقاله «نگاهی به از پیش‌انگاری از دو چشم‌انداز» نوشته کورش صفری، ۱۳۸۸. نویسنده در این مقاله ضمن معرفی پیش‌انگاری و طبقه‌بندی انواع آن، گستره به کارگیری این نظریه را علاوه بر زبان، در منطق نیز اثبات نموده و بیان داشته که پیش‌انگاری در منطق محمولات و منطق جملات نیز کاربرد دارد. همچنین وی بیان داشته که پیش‌انگاری نوعی رابطه معنایی در سطح جمله‌های زبان است و در شرایطی امکان طرح می‌یابد که از اطلاعات موجود در یک جمله بتوان به اطلاعات تازه‌ای در قالب جمله‌ای دیگر دست یافت.

مقاله «بررسی نقش ضرب‌المثل‌ها در فهم و زیباسازی تعبیر نهج‌البلاغه» نوشته مریم توکلی‌نیا و علی میرجلیلی، ۱۳۹۸. آنچه بیش از همه در این مقاله نمود بیشتری دارد، اهتمام به زیبایی‌های بلاغی و آرایه‌های ادبی همچون استعاره، کنایه، نماد و تاثیر آنها در فهم مفاهیم نهج‌البلاغه است. نگارندگان در بیان کارکردهای ضرب‌المثل در نهج‌البلاغه همچون تصویرآفرینی، فضاسازی و نقش‌آنها در فهم بیشتر معانی پنهان اهتمام ورزیده‌اند، اما به طور اخص در بُعد کاربردشناسی زبان و پیش‌انگاری‌ها سخنی به میان نیاورده‌اند.

۳. تعریف کاربردشناسی

زبان‌شناسی در هر زبانی برای تحلیل و فهم معنا، صرفاً به لغت‌شناسی، صرف و نحو و علوم بلاغی مکتبی نبوده است، بلکه به معناشناسی و کاربردشناسی نیز توجه ویژه داشته است. کاربردشناسی عامل انسانی یعنی کاربران زبان را در تحلیل‌های خود دخیل می‌داند. «از امتیازات کاربردشناسی این است که تحلیل‌گر زبان می‌تواند درباره معنای مد نظر افراد، اهداف، مقاصد و تصورات آنها و نیز نوع کنش‌های آنها در حین گفت و گو بحث کند» (آقاگل زاده، ۱۳۸۹: ۲۴۱). در حقیقت کاربردشناسی استفاده درست از زبان برای تعامل اجتماعی را توصیف می‌کند. کاربردشناسی به قصد گوینده یا نویسنده و معنای ضمنی جمله‌ها می‌پردازد و در مطالعه متن، بافت و کارکرد متن را نیز مطالعه می‌کند. «کاربردشناسی یعنی مطالعه تعبیر مقصود گوینده با استفاده از بافتی که کلمات و جمله‌ها در آن به کار رفته‌اند» (قائم‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۴۹/۲). کاربردشناسی روابط میان ساخت‌های زبانشناختی و کاربران زبان آنها را بررسی می‌کند (همان: ۳۶/۱). کاربردشناسی دارای چهار شاخه مهم است که یکی از آنها، مقوله پیش‌انگاری است. «پیش‌انگاری یا پیش‌فرض، عبارت از موضوعی است که گوینده فرض می‌کند، پیش از ادای پاره‌گفت حقیقت دارد» (آقاگل زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۰). مطابق این رویکرد همواره در کاربرد جملات پاره‌ای محدودیت‌های کاربردشناختی وجود دارد که موجب می‌شود گزاره‌ها فقط زمانی مناسب و به‌جا باشند که در بافتی که در آن قرار گرفته‌اند، مطابق با واقع تشخیص داده شوند.

۴. پیش‌انگاری^۴

پیش‌انگاری از دستاوردهای محوری دانش‌زبان‌شناسی در فاصله سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۵ است. این مبحث با تمام انواع نظریه‌های زبان‌شناسی زایشی که زبان را به منزله ابزار انتزاعی جدا از کاربران و نقش‌های زبان مطالعه می‌کرد، در تعارض قرار داشت. پیش‌انگاری در حکم پنداشت و گمان‌هایی در خصوص دانش‌زبانی و جهان‌بینی نویسنده است که آنها را با خوانندگان احتمالی‌اش به اشتراک می‌گذارد، تا اهداف ارتباطی او به خوبی شکل گیرد. مطابق این - رویکرد، همواره در کاربرد جملات پاره‌ای محدودیت‌های کاربردشناختی وجود دارد که موجب می‌شود تا گزاره‌ها فقط زمانی مناسب و به‌جا باشند که در بافتی که در آن قرار گرفته‌اند، مطابق با واقع تشخیص داده شوند. به طور کلی باید گفت: «منظور از مفهوم پیش‌انگاری از جمله دست یازیدن به درک و توضیح نقش دانش خارج از زبان در ترکیب انسجام متون است. به عبارت دیگر، پیش‌انگاری یکی از مؤلفه‌های کاربردشناسی است که تابع دانش عالم خارج از زبان و موقعیت‌های کلام است» (البرزی، ۱۳۸۶: ۲۷). این نظریه با بررسی شرایط اقتضا و تناسب گزاره در محیط و بافتی که در آن اظهار می‌شود، می‌تواند ما را در تحلیل برخی جنبه‌های ناپیدای معنا در ضرب‌المثل‌ها یاری رساند. بررسی‌ها در حوزه زبان‌شناسی نشان می‌دهد، پیش‌انگاری در گذشته از جایگاه محوری‌تری در کاربردشناسی زبانی بهره‌مند بوده است؛ در حالی که تأمل در آن، امروزه می‌تواند ما را در تحلیل برخی جنبه‌های ناپیدای معنا یاری رساند. معمولاً پیش‌انگاری را «موضوعی می‌دانند که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره گفتار حقیقت دارد.

-
1. philology
 2. usage and syntax
 3. Rhetorical sciences
 4. foresight

بنابراین، این نه جمله، بلکه گوینده است که پیش‌انگاری دارد» (یول، ۱۳۸۳: ۴۰). در تعریف متأخر از این پدیده، آن را در رابطه با «تضمن‌های مکالمه‌ای قراردادی» بررسی می‌کنند. بر این اساس، پیش‌انگاری معرف شرایط اقتضا و تناسب یک گزاره در محیط و بافتی است که در آن اظهار می‌شود و تضمن‌ها نیز استنتاج‌های کنترل شده مخاطب را از این گزاره‌ها که بر اساس عوامل متعددی شکل می‌گیرد، مطالعه می‌کند. دقت در ساختار کاربردشناختی، این مطلب را به ما خاطر نشان می‌سازد که به جای صحبت از صدق و کذب پیش‌انگاری‌ها، از بجا و نابجا بودن یا مناسب و نامناسب بودن آنها سخن بگوییم. در واقع، آنچه اهمیت این مبحث را روشن می‌کند، توان پیش‌انگاری‌ها برای ابلاغ پیام اصلی گوینده و غرض یا معنی ضمنی کلام او در حین ارتباط است. همین امر می‌تواند افق دلالت‌ها و معنی‌رسانی یک متن را متناسب با زمینه‌ای که در آن قرار می‌گیرد، گسترش دهد. در متون نمادین، زبان متن بدون آنکه پاسخی را بر متن تحمیل کند، خود زمینه‌ساز طرح پرسش‌هایی در ذهن خواننده می‌شود. درحقیقت، همین که تصویری از یک شیء یا یک موضوع در ذهن انسان پدید آمد، ساختار ذهن احتمالات آن را نیز تصور و بررسی می‌کند.

۴-۱. انواع پیش‌انگاری

پیش‌انگاری انواع مختلفی دارد از جمله: «پیش‌انگاری وجودی، پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر، پیش‌انگاری واقعیت ناپذیر، پیش‌انگاری واژگانی و پیش‌انگاری ساختاری. پیش‌انگاری وجودی فرضی است که بر طبق آن شخص یا شیئی که از طریق به کار بردن عبارت اسمی شناسایی شده است، دارای موجودیت است. پیش‌انگاری واقعیت‌پذیر، فرضی است که براساس آن اطلاعاتی که بعد از پاره‌ای افعال نظیر (دانستن، متأسف بودن، فهمیدن، آگاه بودن، عجیب بودن) و امثال آن آورده می‌شود، درست تلقی می‌گردد. مانند: الف) نفهمید که او بیمار است = او بیمار بود، ب) متأسفم که به او گفتم = به او گفتم.

پیش‌انگاری واقعیت‌ناپذیر، پیش‌انگاری است که نادرست بودن آن مفروض است. معمولاً مصادری همچون خواب دیدن، وانمود کردن یا خیال کردن پیش‌فرض یا پیش‌انگاری را با خود دارند که آنچه بعد از آن می‌آید، نادرست است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۲). این نوع از پیش‌انگاری در ساختار شرطی نیز مشاهده می‌شود. «پیش-انگاری ساختاری فرضی است که به موجب آن بخشی از یک ساختار حاوی اطلاعاتی است که معلوم تلقی می‌شود» (یول، ۱۳۸۳: ۴۳). مانند: او وانمود می‌کند که مریض است = او مریض نیست. پیش‌انگاری با کاربرد کلمات و عبارات در معانی متعدد، دارای گونه‌های مختلفی است که یکی از آنها پیش‌انگاری واژگانی است. «معمولاً در پیش‌انگاری واژگانی، تعبیر متعارف یک صورت {واژه} بر اساس معنی بیان شده {لفظ} و معنی بیان نشده {پیش-

-
1. existential presupposition
 2. factive presupposition
 3. non factive presupposition
 4. lexical presupposition

انگاری { آن صورت می‌پذیرد» (همان: ۴۴). مانند: علی در آزمون وکالت قبول شد = آزمون وسیله‌ای برای سنجش دانش افراد است / موفقیت علی وابسته به قبولی در آزمون است.

۴-۲. پیش‌انگاری در امثال نهج‌البلاغه

یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن و ادبیات هر کشور، امثال و حکم یا همان گفتار کوتاه و حکیمانه است. امثال و حکم در واقع همان سنت‌ها، عادات و تعابیر مردمی است که با در برداشتن حکایات، تعلیم دینی، تذکرات، موعظه‌ها و - اندرزها ساختار اساسی زندگی اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی جامعه انسانی را شکل می‌بخشد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۷). در این میان، پیش‌انگاری به عنوان راهی برای فهم بهتر امثال، نسبت به سایر راهبردهای کاربردشناختی در درک منظور گوینده بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا علاوه بر اینکه به دانش و علم گوینده بستگی دارد، جهان بینی و افکار او را نیز آشکار می‌نماید. در این راهبرد، به بررسی انواع پیش‌انگاری بر اساس موضوع در پاره‌ای از امثال پرداخته می‌شود، چرا که هر جمله هم زمان می‌تواند چند پیش‌انگاری را در بر بگیرد. بنابراین تقسیم بندی خاصی در این بخش صورت نمی‌گیرد و تنها به بررسی انواع پیش‌انگاری بر اساس موضوع پرداخته می‌شود سپس در قالب جدول توضیحات لازم ارائه می‌گردد. به عنوان مثال حضرت علی(ع) با اشاره به نافرمانی‌هایی که انسان در قبال دستورات الهی مرتکب می‌شود، به طور غیرمستقیم به آنها گوشزد می‌نماید که در راه اطاعت از خداوند، نباید از هیچ مخلوقی پیروی نمود، چرا که حق تعالی به سود و زیان انسان واقف‌تر است و هر سخنی که برای انسان بیان نموده، در حقیقت سعادت او را در آن رهنمود قرار داده است و مقتضی است که انسان این دستورات را به خوبی اجرا کند، آنجا که فرموده است «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (حکمت ۱۵۶). پیش‌انگاری موجود در این حکمت، استمرار نافرمانی انسان نسبت به پروردگار خویش و عدم اجرای دستورات الهی و عدم موفقیت ایشان در زندگی و به جای آن، پیروی از مخلوق برای رسیدن به منافع دنیایی است. ساختار - جمله، بیانگر این نکته است که با نافرمانی از دستورات الهی، سرانجام نیکی نصیب انسان نخواهد شد.

از سوی دیگر عبارت فوق را می‌توان بر مبنای پیش‌انگاری وجودی که در هر عبارتی موجود است، مورد بررسی قرار داد، زیرا شامل اطلاعاتی است که زیر ساخت‌های گفتگو را بنا می‌کند و گفتگو بر اساس آن شکل می‌گیرد. مضمون کلام شامل اطلاعات زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: نافرمانی از خدا وجود دارد

پیش‌انگاری وجودی: مخلوق از خالق نافرمانی می‌کند

پیش‌انگاری وجودی: خالق وجود دارد و مخلوق هم وجود دارد.

به دلیل ذکر واژه‌ها به صورت نکره، به جزء خالق که همواره معرفه است، روی سخن امام (ع) با شنونده‌ای است که در هر جا و هر جنسیتی امکان نافرمانی از خالق را دارا می‌باشد. شنونده در کنار معنای زبانی معانی ضمنی را نیز درک می‌کند و سرزنش امام را در این عبارت می‌فهمد.

پیش‌انگاری ساختاری: طاعت دارای مرتبه و انواع است (بر اساس کاربرد کلمه طاعت همراه با لا نفی جنس).

پیش‌انگاری ساختاری: معصیت دارای مرتبه است.

پیش‌انگاری ساختاری: هیچ گونه نافرمانی از خداوند جایز نیست.

براساس پیش‌انگاری‌های این پاره‌گفتار از نگاه امام (ع) استنباط می‌گردد که هر گونه سرکشی از فرامین الهی مشروعیت ندارد و انسان نباید برای رضایت مخلوق به ناسپاسی و سرکشی از خالق روی آورد.

امام علی(ع) در گفتاری برای بیان ارزش پاکدامنی و عفاف در جامعه و اینکه این صفت در بین مردم رواج اندکی داشته است، همگان را به داشتن این صفت پسندیده دعوت می‌نماید آنجا که فرموده است: «الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ» (حکمت ۶۵). پیش‌انگاری موجود در این پاره‌گفتار به این صورت می‌باشد که گویی ویژگی پاکدامنی که همان درست زندگی کردن و پرهیز از ناپسندی‌های ناشی از فقر و نداری است، در میان مردم وجود ندارد و حضرت با این سخن شریف مخاطب را به داشتن این صفت دعوت می‌کند.

پاره‌گفتار فوق بر اساس پیش‌انگاری وجودی و واژگانی و ساختاری به قرار زیر می‌باشد:

پیش‌انگاری وجودی: فقر وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: پاکدامنی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: فقیر هم می‌تواند مزین باشد.

پیش‌انگاری ساختاری: زینت خوب است.

پیش‌انگاری ساختاری: مفاهیم اخلاقی می‌توانند زینت باشند.

اصولا در هر جامعه‌ای پدیده فقر، وجود دارد و طبیعی است که فقر پیامدهای ناپسند اجتماعی و فردی خاص خود را دارد. آنچه در این میان حائز اهمیت است، تبدیل نشدن فقر به راهی برای به فساد کشیده شدن انسان‌ها است و به طبع آن یافتن راهی برای خارج شدن از فقر. بدیهی‌ترین فرض برای رهایی از اثرات ناپسند این پدیده، روی آوردن انسان به خویش‌داری و پایداری و عدم گرایش به پلیدی‌ها و ناپسندی‌ها است. امام علی(ع) نیز به تمام ابعاد فردی و اجتماعی انسان توجه نموده و مقصود ایشان از ذکر این سخن، این است که وظیفه انسان علاوه بر ممانعت از فقر، ممانعت از فراهم کردن زمینه فقر و یا حداقل پوشاندن آن با پاکدامنی و خود نگهداری است. به عبارت دیگر - همانطور که انسان در برابر اعمال خویش مسئول است به سبب پیوستگی اعضای جامعه با یکدیگر، در برابر فراهم کردن زمینه ارتکاب گناه برای دیگران نیز مسئولیت دارد.

حضرت در بیانی دیگر، مخاطبان خویش را که در انجام امور زندگی راه تفریط و یا راه افراط و زیاده‌روی را در پیش گرفته‌اند، به طور غیر مستقیم دعوت به میانه‌روی و دوری از هرگونه افراط و یا تفریط و اطاعت از پروردگار را مطرح می‌نمایند، آنجا که می‌فرمایند: «الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ»، راه راست راه میانه است. (خطبه ۱۶). امام علی(ع) در این پاره‌گفتار بر میانه روی در امور و دوری از انحراف در انجام کارها تاکید نموده‌اند. بر اساس پیش‌انگاری‌های مورد بحث، موارد زیر را می‌توان شناسایی نمود:

پیش‌انگاری وجودی: راه میانه وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: راه انحرافی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: انتخاب راه وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: میانه روی نوعی راه پیمودن است.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان دارای قدرت انتخاب راه و مسیر است.

پیش‌انگاری ساختاری: زندگی کردن نوعی پیمودن مسیر است.

پیش‌انگاری ساختاری: (الطریق) زندگی یک مسیر ندارد

پیش‌انگاری ساختاری: (الطریق الوسطی) اعتدال در زندگی انتخابی است.

پیش‌انگاری ساختاری: (الجداء) مسیر زندگی حرکت به سمت جلو است.

اطلاعات مفروض در این پاره‌گفتار، حاکی از این است که از نگاه امام (ع)، انسان همواره باید مسیر اعتدال و میانه‌روی را در پیش بگیرد، زیرا او مسئول است و این امر در تعامل اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. کلمه (الطریق) نشان از حرکت در مسیر زندگی و حرکتی رو به جلو است. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، انتخاب مسیر درست و دوری از انحراف می‌باشد. امام (ع) از مخاطب می‌خواهد که جانب احتیاط را رعایت کند، موقعیت را بسنجد و براساس آن عمل نماید.

حضرت علی (ع) با بیان اینکه کسی که از هوای نفس و غرور و فخر فروشی خویش پیروی کند، انسان بیچاره‌ای است، به طور غیر مستقیم و در قالب پیش‌انگاشی واقعیت پذیر بیان می‌دارد که بی شک در بین انسان‌ها افرادی هستند که پیرو هوای نفس خود می‌باشند و این افراد در حقیقت انسان‌های بیچاره‌ای هستند، آنجا که فرموده است: «الشَّقِيُّ مَنْ أَخَذَ لِهَوَاهُ وَغُرُورِهِ». (خطبه ۱۵۵). توصیف نگون بختی انسان‌هایی که اسیر هواهای نفسانی خود در زندگی می‌باشند، در این پاره گفتار نشان از بیانی تلویحی و غیرمستقیم از جانب امام علی (ع) دارد و به مخاطب گوشزد می‌نماید که انسان باید از این خصیصه نادرست یعنی پیروی از هوای نفس دوری نماید.

به منظور بررسی بیشتر این پاره‌گفتار، به بررسی پیش‌انگاری‌های موجود در این سخن پرداخته می‌شود:

پیش‌انگاری وجودی: بدبخت و بدبختی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: فریب وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: هوای نفس وجود دارد

پیش‌انگاری ساختاری: هوای نفس ویرانگر است

پیش‌انگاری ساختاری: انسان می‌تواند به اسارت هوای نفس درآید.

پیش‌انگاری ساختاری: پیروی از هوای نفس بدبختی است.

پیش‌انگاری ساختاری: شقاوت بد است.

پیش‌انگاری واقعیت پذیر: در جامعه افرادی هستند که پیرو هوای نفس خود شده و به بیراهه رسیده‌اند.

معانی مذکور و نهفته در پاره‌گفتار، مقصود ضمنی و منتقل شده به مخاطب است که امام(ع) آنها را مفروض پنداشته و به کمک آنها به ویژگی‌های نفس بشری اشاره می‌کند تا این پیام را به مخاطب القا کند که با عقل و درایت نفس خود را مهار کرده و به سعادت اخروی دست یابد.

امیرالمومنین (ع) ضمن ترغیب نمودن اصحاب به جهاد و مبارزه با ظالمان، از اینکه آنان نمی‌توانند در تصمیماتشان برای جهاد در راه خدا ثابت قدم باشند و با پشت سرگذاشتن شب و آغاز روزی دیگر، تصمیم آنها تغییر می‌کند، اظهار تاسف می‌نماید و آنها را از این صفت ناپسند بر حذر می‌دارد، آنجا که می‌فرماید: «مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ». (خطبه ۲۱۱). پیش‌انگاری موجود در این پاره‌گفتار، افسوس خوردن حضرت درباره وجود این ویژگی در بین اصحاب است که آنان را از این واقعیت بر حذر می‌دارد. هدف از این عبارت ایجاد همبستگی و یکپارچگی در اتخاذ تصمیم است. اصول و مبانی سخن امام (ع) بر اساس پیش‌انگاری‌های وجودی از این قرار است:

پیش‌انگاری وجودی: خواب وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: تصمیم و عزم و اراده وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: نقصان و کاستی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: تصمیم انسان قابل تغییر است.

پیش‌انگاری ساختاری: اراده می‌تواند محکم و یا سست باشد.

پیش‌انگاری ساختاری: اراده سست و تغییر در آن به شکستن شباهت دارد.

پیش‌انگاری واقعیت پذیر: بسیاری از مردم به دلیل سستی، در امور مختلف عقب می‌مانند.

بر این اساس، منظور امام(ع) این است که داشتن اراده قوی در زمان اختیار و تلاش برای رسیدن به مقصود، همواره باید مورد توجه انسان باشد، چرا که عدم برخورداری از این صفت، منجر به پراکندگی و نفاق می‌شود.

حضرت علی(ع) در باب شک و انواع آن ضمن نکوهش این خصیصه در بین مردم، آنها را از فرو رفتن در این ورطه بر حذر داشته است، آنجا که فرموده است: «مَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ وَطَنَتْهُ سَنَابِكُ الشَّيَاطِينِ». (حکمت ۳۰). پیش‌انگاری موجود در این عبارت، عدم تحقق این ویژگی در مخاطب است، چرا که در صورت وجود چنین صفتی در او، این رویه محقق گردیده است و قطعی می‌گردد. مبنای سخن امام(ع) دوری از شک و تردید است. امام(ع) عامل اختلاف و نرسیدن به هدف را دودلی و تردید معرفی نموده است. اساس و مبنای پیش‌انگاری‌های این پاره گفتار به قرار زیر است:

پیش‌انگاری وجودی: شک و تردید وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: شیطان وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: فریب شیطان وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: اساس کار شیطان گمراهی و هلاکت انسان است.

پیش‌انگاری ساختاری: (فی الرّیْب) شک و تردید همچون گودالی است که انسان ممکن است در آن هلاک شود.

پیش‌انگاری ساختاری: در هر لغزش انسان، شیطان نقش دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: (ترَدَد) انسان ممکن است دچار تردید شود.

پیش‌انگاری ساختاری: تردید اگر در شخص محقق گردد سبب هلاکت می‌شود.

استمرار در ثابت قدم بودن و یقین داشتن در کارها و اعتقادات امری است که امام علی(ع) همواره در هر سخنی بدان اشاره داشته‌اند.

همچنین امام(ع) در توصیف اشخاصی که با برپاشدن عدالت مخالفت می‌ورزیدند و آن را مخالف منافع خود می‌دانستند، بیان می‌دارد که چنین افرادی هرگز تاب تحمل ظلم و ستم علیه خود را نخواهند داشت، آنجا که فرموده است: «مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ» (خطبه ۱۵). پیش‌انگاری این عبارت عدم صحت اطلاعات آن است، یعنی هنوز عدالت بر او ناگوار نیامده است. در صورت عدم قبول عدالت از جانب مخاطب، جور و ستم بیشتر بر او گران می‌آید. پیش‌انگاری‌های موجود در ساختار و واژگان این عبارت شریف به شرح زیر می‌باشد:

پیش‌انگاری وجودی: عدل وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: ستم وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: صفت ناتوانی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: در تنگنا قرار گرفتن وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: عدالت و ستم گری دو مقوله جدا هستند.

پیش‌انگاری ساختاری: انسان قدرت انتخاب دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: هر انسانی ممکن است از عدالت گریزان باشد.

پیش‌انگاری ساختاری: شدت درگیر شدن انسان با مشکلات، می‌تواند دارای حد و اندازه باشد.

پیش‌انگاری واقعیت‌پذیری: هر کسی که عدالت را برنتابد، بی‌شک ظلم و ستم بیشتر او را آزرده خواهد کرد.

بی‌تردید این کلام امام(ع) خطاب به همه انسان‌ها در هرزمانی می‌باشد و توصیه ایشان بالا رفتن تحمل مخاطب در پذیرش عدالت و استمرار آن است.

ایشان در بیانی گهربار، بار دیگر با آوردن عبارتی شرطی، عدم تحقق یک امر را بیان می‌دارد و پیش‌انگاری آن را نبود اطلاعات در واقعیت می‌داند، چرا که در صورت موجود بودن، آن صفت محقق خواهد شد، آنجا که می‌فرماید: «مَنْ لَانَ عَوْدَهُ كَثُرَتْ أَغْصَانُهُ» (حکمت ۲۰۵). نرم خو بودن برای داشتن دوستان بیشتر ضروری است که در صورت تحقق، عملی خواهد شد. کسی که اخلاق نیک داشته باشد، قطعاً دوستان و یاران وی نیز فراوان خواهند شد. بر اساس بافت موقعیتی دعوت از مخاطب برای نیک خوئی در این عبارت، گویای باور امام(ع) به این خصیصه مهم است. از طرفی نیز غفلت از این صفت می‌تواند اشاره‌ای بر آثار مخرب و زیان‌آور بدخلقی باشد. بنابراین مفروضات و تعهدات امام(ع) در اینجا از این قرار است:

پیش انگاری ساختاری: هواپرستی مراتبی دارد که در رأس آن حُبّ مال و دارایی می باشد.

به طور کلی مقصود امام (ع) از این پاره گفتار، آگاه کردن مخاطب از خطرات مال پرستی و عواقب سوء و زیان بار آن است و کلام ایشان حاوی معنای احتیاط و هشدار و تحذیر است.

حضرت علی (ع) ضمن توصیف نمودن وقایع آخر الزمان و فتنه ها و آشوب های آن دوره، دنیا را به مانند موجودی به تصویر می کشند که با انواع بلاها به انسان حمله ور می شود، آنجا که می فرمایند: «صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعُقُورِ»، روزگار حمله آورد مانند حمله درنده گزنده». (خطبه ۱۰۷). در تحلیل ساختار این جمله، فرض درندگی و حمله کنندگی دنیا صحیح پنداشته شده و بدین ترتیب تشبیه دنیا به حیوانی درنده خو و خون ریز به عنوان فرضی صحیح انگاشته می شود که صحت آن تنها از طریق ساختار جمله درک می شود. برای درک بهتر مفاهیم ضمنی این پاره گفتار بررسی پیش انگاری های آن ضروری به نظر می رسد:

پیش انگاری وجودی: روزگار وجود دارد.

پیش انگاری وجودی: حمله کردن وجود دارد.

پیش انگاری وجودی: درندگی وجود دارد.

پیش انگاری ساختاری: روزگار درنده و گزنده است.

پیش انگاری ساختاری: روزگار حمله کننده است.

پیش انگاری ساختاری: اعتماد کردن به روزگار نادرست است.

پیش انگاری ساختاری: پیش آمد ها و ناگواری های زندگی همانند حمله کردن است.

پیش انگاری ساختاری: ناگواری ها و مشکلات می توانند گزنده باشند.

این عبارت، تعبیری از آثار منفی اعتماد به دنیا و روزگار است. به باور امام (ع) آنچه که انسان را از چنین عملی حفظ می کند، آگاه شدن به ماهیت و عناصر وجودی روزگار است. هوشیار بودن در برابر حیل های دنیا و زر و زیور آن پایه و زیربنای مفاهیم ضمنی این پاره گفتار است.

امام علی (ع) دنیا را به مانند مزرعه ای فرض نموده است که انواع مختلف محصول از آن برداشت می شود، از جمله اینکه خوارج یا منافقین یا اصحاب معاویه و غیر ایشان، تخم نافرمانی را (در کشتگاه دل های مردم) کاشته، به غفلت و فریب آنرا آب داده و در نتیجه هلاکت را درو کردند (پس سعادت دنیا و آخرت را از دست دادند)، آنجا که می فرمایند: «زَرَعُوا الْفُجُورَ وَسَقَوْهُ الْغُرُورَ وَ حَصَدُوا الثُّبُورَ». (خطبه ۲). در این پاره گفتار فرض کشت زار بودن دنیا صحیح پنداشته شده است و بدین ترتیب کشت فسق و فجور و برداشت هلاکت و نابودی با فرض تشبیه نمودن اعمال به محصولی قابل کشت، صحیح انگاشته می شود. مقصود امام (ع) از بیان چنین پاره گفتاری، بیدار نمودن قلب های یاران خویش در برابر مکر و دشمنی اصحاب معاویه با ایشان و تلاش آنها برای فریب کاری در امر حکومت داری می باشد. بنابراین پیش انگاری های این عبارت به قرار زیر است:

پیش انگاری وجودی: کشت محصول وجود دارد.

پیش انگاری وجودی: برداشت محصول وجود دارد.

پیش انگاری وجودی: فسق و فجور وجود دارد.

پیش انگاری وجودی: سستی و هلاکت وجود دارد.

پیش انگاری ساختاری: نافرمانی از دستورات الهی تبعات دارد.

پیش انگاری ساختاری: هلاکت نتیجه سرکشی است.

پیش انگاری ساختاری: حيله و نیرنگ نتایج ناپسندی در پی دارد.

بر این اساس، فرض می‌شود مخاطب ماهیت نافرمانی از فرامین الهی و دستورات امام(ع) را می‌شناسد و بیان امام(ع) درباره ارتباط نافرمانی با هلاکت در دنیا و آخرت را ضمن کلام درک می‌کند.

حضرت(ع) در ادامه نصائح و سخنان حکیمانه خویش بیان می‌دارند که انسان با تحمل سختی‌ها و رنج‌ها به سروری و آقایی می‌رسد، آنجا که می‌فرمایند: «بِاحْتِمَالِ الْمُؤْنِ يَجِبُ السُّؤْدُ» (حکمت ۲۱۵). در تحلیل ساختار این جمله بیان راه کار برای رسیدن به سروری، فرض وجود راه‌های متعدد در دستیابی به این هدف را صحیح فرض می‌نماید. بدین ترتیب شنونده پیش فرض تعدد در مسیر راهیابی به عزت و بزرگی را صحیح می‌پندارد. محتوای بیانی این فراز از حکمت، آگاه‌سازی و ترغیب مخاطب برای پیدا کردن مسیر درست رسیدن به بزرگی و سروری در بین مردم است. پیش‌انگاری‌های موجود در این پاره گفتار بدین صورت می‌باشد:

پیش‌انگاری وجودی: رنج‌ها و سختی‌ها وجود دارند.

پیش‌انگاری وجودی: سروری و بزرگی وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: راه برای رسیدن به بزرگی وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: اساس رسیدن به بزرگی بر پایه تحمل سختی‌ها است.

پیش‌انگاری ساختاری: سختی‌ها پلکان ترقی معنوی انسان هستند.

پیش‌انگاری ساختاری: (بِاحْتِمَالِ) مهمترین و اثرگذارترین راه برای رسیدن به بزرگی در تحمل دشواری‌ها و درک مشکلات مردم منحصر می‌شود.

حضرت(ع) در بیانی گهربار بیان می‌دارند که اگر انسان راه جدال بی‌فایده و شک و تردید را پیشه کار خویش قرار دهد، هرگز به یقین و راه رستگاری نمی‌رسد، آنجا که می‌فرمایند: «مَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ دَيْدَنًا لَمْ يُصْبِحْ لَيْلُهُ» (حکمت ۳۰). وجود عبارت شرطی، پیش‌انگاری قابل فهم از این عبارت را اینگونه بیان می‌دارد، که در صورتی که انسان منازعه و شک و تردید را کنارگذارد، به یقین و درستی دست خواهد یافت. مبنای سخن امام(ع)، اشاره به عوامل و موانع اصلی نرسیدن به یقین و اطمینان است که یکی از آنها جدال بی‌مورد در جایی است که بحث و سخن فایده‌ای ندارد. بنابراین پیش‌انگاری‌های این پاره گفتار بدین صورت می‌شود:

پیش‌انگاری وجودی: جدال و جرّ و بحث وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: عادت وجود دارد.

پیش‌انگاری وجودی: یقین وجود دارد.

پیش‌انگاری ساختاری: روشنایی یقین با دوری از مجادله بی‌حاصل بدست می‌آید.

پیش‌انگاری ساختاری: مجادله بی‌حاصل مانع رسیدن به یقین است.

پیش‌انگاری ساختاری: یقین با جر و بحث بی‌حاصل در تضاد است.

پیش‌انگاری ساختاری: برای رسیدن به یقین موانع مختلفی در سر راه انسان است.

به طور کلی امام(ع) در کلام خویش، تحذیر و هشدار و احتیاط را برای مخاطب سرلوحه توجه خویش قرار داده‌اند. تحلیل نمونه‌های مذکور میزان تاثیرگذاری پیش‌انگاری‌ها به عنوان توافق‌های ضمنی بین گوینده و مخاطب را بیان نمود و کیفیت عملکرد نگرش امام(ع) و باورهای ایشان را در ارائه مطالب نشان داد. این مفروضات و تعهدات در غالب سخنان امام (ع) وجود دارد. نمونه‌های کامل این مبحث در قالب جدول زیر ارائه می‌گردد:

ردیف	پاره گفتار	پیش‌انگاری
۱	آخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيُّ (خطبه ۱۶۷).	پیش‌انگاری ساختاری: داغ کردن درمان است. پیش‌انگاری وجودی: بیعت شکستن وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: نتیجه بیعت شکستن، جنگیدن است.
۲	اتَّبِعْ الْكَلْبَ لِلضَّرْعَامِ يَلْوِذُ بِمَخَالِبِهِ (نامه ۳۹).	پیش‌انگاری وجودی: انسان ضعیف وجود دارد و انسان درنده‌خو وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انسان به سبب پیروی از خواسته نفس پست و حقیر می‌شود. ...
۳	أَحْبِبْ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا (حکمت ۲۶۰).	پیش‌انگاری وجودی: دوستی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: حد اعتدال وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: دوستی افراطی زیان‌بار است.

۴	اِخْتَطَفَتْ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمِ الْمَصُونَةَ لِأَرْامِلِهِمْ وَأَيْتَامِهِمْ اِخْتَطَفَ الذَّنْبُ الْأَزْلَ دَامِيَةً الْمَعْزَى الْكَسِيرَةَ (نامه ۴۱).	پیش‌انگاری وجودی: غارت وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: سنگدلی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: پایمال نمودن حقوق زنان و یتیمان در جنگ، محکوم است. پیش‌انگاری ساختاری: قوی، ضعیف درمانده را نابود می‌کند.
۵	اِخْتَلَفَ النَّجْرُ وَتَشَتَّتَ الْأَمْرُ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: اختلاف وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: دین وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: اختلاف در دین باعث تضعیف آن است.
۶	وَإِيمُ اللَّهِ لَا يُبْقِرَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى أَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ خَاصِرَتِهِ (خطبه ۱۰۳).	پیش‌انگاری وجودی: حق وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حق گرفتنی است. پیش‌انگاری ساختاری: حق و باطل گاه در هم آمیخته می‌شود.
۷	إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ (حکمت ۶۸).	پیش‌انگاری وجودی: عقل و خرد وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: گفتار وجود دارد. پیش‌انگاری واقعی: واقعیت ناپذیر: کم‌گویی به کامل شدن عقل بستگی دارد.

۸	إِذَا لَمْ يَكُنْ مَا تُرِيدُ فَلَا تُبَلِّ كَيْفَ كُنْتَ (حکمت ۶۶).	پیش‌انگاری وجودی: خواستن وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: آزادی عمل وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: لازمه آزاد بودن، انجام دلخواه امور است.
۹	ارْتَوَى مِنْ أَجْنٍ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری ساختاری: گفتار و کردار اگر بر پایه حق و حقیقت نباشد، زیان‌آور است. پیش‌انگاری واژگانی (ارتوی): رسیدن به خواسته های نادرست به مانند سیراب شدن از آبی متعفن است.
۱۰	أَرْعَدُوا وَ أَتْبَقُوا (خطبه ۸).	پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: لاف و گزافه گویی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: برخی سخنان نسنجیده عامل ایجاد جنگ است.
۱۱	أَعْدَرَ بِمَا أُنْذَرَ (خطبه ۸۲).	پیش‌انگاری وجودی: خداوند وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: خدا اتمام حجت دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انذار نوعی اتمام حجت است پیش‌انگاری ساختاری: ساختار آفرینش خداوند بی نقص است.

۱۲	پیش‌انگاری وجودی: حيله و مکر وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: به‌کارگیری مکر در جنگ نشانه خواری آن فرمانده است. ..	أَكْبَرُ مَكِيدَتِهِ أَنْ يَمْنَحَ الْقَوْمَ سَبْتَهُ (خطبه ۸۳).
۱۳	پیش‌انگاری وجودی: تصمیم وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: شب و تاریکی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: تصمیم‌ها در گذر زمان دست خوش تغییرند. پیش‌انگاری ساختاری: (أَمْحَى) تغییر در تصمیم به مانند از بین رفتن آن است.	أَمْحَى الظُّلُمَ لِتَذَكِّيرِ الْهَمَمِ (خطبه ۲۱۱).
۱۴	پیش‌انگاری وجودی: رأی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: بیان دستور در هر مکان امکان پذیر است.	أَمَرْتُكُمْ أَمْرِي بِمَنْعِجِ اللَّوِيِّ (خطبه ۳۵).
۱۵	پیش‌انگاری وجودی: اندیشه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فضیلت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: دُونَ وَفَوْقَ فراوانی فضیلت در بالا و کمبود آن در پایین قرار می‌گیرد.	أَنَا دُونَ مَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا فِي نَفْسِكَ (حکمت ۸۰).
۱۶	پیش‌انگاری وجودی: بدبختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: راه نجات وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: رهایی از گمراهی مانند خارج شدن از تاریکی شب است.	إِنْفَجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ (خطبه ۴).

۱۷	پیش‌انگاری وجودی: بخشش وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: نیت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: نیت پاک‌دعاها را مستجاب می‌کند.	إِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدَرِ النَّيَّةِ (نامه ۳۱).
۱۸	پیش‌انگاری وجودی: مرگ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (الْيَوْمَ) دنیا همانند امروز است. پیش‌انگاری ساختاری: (غَدًا) قیامت همانند فردا است.	إِنَّ غَدًا مِنْ الْيَوْمِ قَرِيبٌ (خطبه ۱۵۶).
۱۹	پیش‌انگاری وجودی: فریب‌کاری وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (الفِصَالِ): بازپس‌گیری حکومت مانند از شیر گرفتن کودک است.	إِنَّهَا خُدَعَةُ الصَّبِيِّ عَنِ اللَّبَنِ فِي أَوَّلِ الْفِصَالِ (نامه ۶۴).
۲۰	پیش‌انگاری وجودی: خواب وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: بی تفاوتی انسان نسبت به آخرت خود مانند خواب رفتن است.	أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكَبٍ يُسَارُّ بِهِمْ وَهُمْ نِيَامٌ (حکمت ۶۱)
۲۱	پیش‌انگاری وجودی: آفریدگار وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: گسترش علم و خداپرستی همانند شعله ور شدن آتش محبت خداوند به بندگانش است.	أَوْرَى قَبَسَ الْقَابِسِ (خطبه ۷۱).
۲۲	پیش‌انگاری وجودی: سستی و ترس وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: قوم سبأ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: ضعف درونی یاران باعث	أَيَادِي سَبَأَ (خطبه ۹۶).

		شکست در جنگ می‌شود.
۲۳	إِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ (نامه ۳۳).	پیش‌انگاری وجودی: عذرخواهی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: عامل پوزش خواهی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: اشتباه در کارها سبب پشیمانی است.
۲۴	بَاعَ الْيَقِينَ بِشَكِّهِ وَالْعَزِيمَةَ بِوَهْمِهِ (خطبه ۱).	پیش‌انگاری وجودی: شیطان وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: وسوسه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فریب خوردن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (باع) همراهی با وسوسه شیطان منجر به از دست دادن بهشت می‌شود.
۲۵	بِاحْتِمَالِ الْمُؤْنِ يَجِبُ السُّؤْدُ (حکمت ۲۱۵).	پیش‌انگاری وجودی: رنج و سختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: بزرگی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: تحمل سختی زمینه ساز ترقی است.
۲۶	بَعْدَ اللَّتَايَا وَآلَتِي (خطبه ۵).	پیش‌انگاری وجودی: پیش‌آمد ناگوار وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: گمان بردن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: ظن و گمان بد زمینه ساز پیش‌آمد ناگوار است.
۲۷	تُرْسِلُ فِي غَيْرِ سَدَدٍ (خطبه ۱۶۱).	پیش‌انگاری وجودی: سوال پرسیدن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (فی غیر سدد) درخواست

		انجام کاری در غیر از وقت آن مانند رها کردن افسار در غیر موقع خود است.
۲۸	تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُولُ (خطبه ۱۱).	پیش‌انگاری وجودی: استقامت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: کوه‌سمبل استقامت و پایداری است.
۲۹	تَعِجُ مِنْهُ الْمَوَارِيثُ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری وجودی: ظلم و ستم وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: میراث وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حاکمان ظالم غارت‌گر میراث‌ها هستند.
۳۰	تَقْصُرُ دُونَهَا الْأَنْوُقُ وَ يُحَادِثُ بِهَا الْعِيُوقُ (نامه ۶۵).	پیش‌انگاری وجودی: ستاره عیوق وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: عقاب وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: درک مقام و منزلت امام (ع) شیازمند بینش عمیق است.
۳۱	التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٌّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا (خطبه ۱۶).	پیش‌انگاری وجودی: تقوی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: انسان با تقوی می‌تواند نفس را مهار کند.
۳۲	تَمِيدُ بِأَهْلِهَا مِيدَانُ السَّفِينَةِ (خطبه ۱۸۷).	پیش‌انگاری وجودی: دنیا وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: اهل دنیا وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: سختی‌ها و مشکلات زندگی همواره وجود دارند.
۳۳	تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ (حکمت ۴۰۹).	پیش‌انگاری ساختاری: بالاترین عزا، مرگ فرزند

	برای مادر است.	
۳۴	جَاءَ بِأَمْرِ لَمْ يُعْرِفْ بَابَهُ (خطبه ۱۷۳).	پیش‌انگاری ساختاری: موفقیت در هر کاری مستلزم دانستن راه کارهای آن است.
۳۵	جَعَلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ (حکمت ۳۶۷).	پیش‌انگاری ساختاری: (أَعْلَاهُ وَ أَسْفَلَهُ) نیک بختی و بیچارگی همانند بالا و پایین شدن است. پیش‌انگاری وجودی: بالا و پایین وجود دارد.
۳۶	حَدُّوْا لِرَاجِرٍ (خطبه ۱۵۶).	پیش‌انگاری ساختاری: حرکت انسان به سوی مرگ و برپایی قیامت سریع است.
۳۷	الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ (خطبه ۸۵).	پیش‌انگاری وجودی: حسد وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: آتش وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: ایمان وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: حسادت ویرانگر است. پیش‌انگاری ساختاری: ایمان مستعد نابودی است. پیش‌انگاری ساختاری: ایمان به مراقبت نیاز دارد. پیش‌انگاری ساختاری (فعل استنباطی: يأكل): حسادت اندک اندک ایمان را نابود می‌کند.
۳۸	الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ (حکمت ۷۷).	پیش‌انگاری وجودی: حکمت وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: مؤمن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حکمت را همواره باید آموخت تا به آسایش رسید.

۳۹	الحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَ خَفَقَ (خطبه ۴۸).	پیش‌انگاری وجودی: ستایش کردن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: در هر زمان ستایش خداوند بر انسان واجب است.
۴۰	حَمَالُ خَطَايَاهُ غَيْرُهُ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری وجودی: گناه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: پیروی کردن وجود دارد.
۴۱	حَنِّ قَدْحٌ لَيْسَ مِنْهَا (نامه ۲۸).	پیش‌انگاری ساختاری: سخن راندن درباره امری که به سخن‌گو ربطی ندارد همانند صدای تیری غیر از تیرهای قمار است و بی فایده است.
۴۲	حِدِي حِيَادٍ (خطبه ۲۹).	پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: سستی در جنگ با دشمن در وقت نبرد زیان بار است.
۴۳	خَبَاطُ جَهَالَاتٍ (خطبه ۱۷).	پیش‌انگاری وجودی: قضاوت نمودن وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: شرط حکومت بر مردم درست حکم نمودن است.
۴۴	خُذِ الْحِكْمَةَ أَتَى كَأَنْتَ (حکمت ۷۶).	پیش‌انگاری وجودی: حکمت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: همواره حکمت سودمند است.
۴۵	الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا (خطبه ۱۶).	پیش‌انگاری وجودی: گناه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: گناهکار وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: همواره باید از معصیت دوری نمود.

		پیش‌انگاری ساختاری: گناه سرکش است.
۴۶	خَيْرُ دَارٍ وَ شَرُّ جِيرَانٍ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری ساختاری: سستی و ضعف در جنگ ندامت و خونریزی در پی دارد.
۴۷	الدَّامِغِ صَوَلَاتِ الْأَضَالِيلِ (خطبه ۷۱).	پیش‌انگاری وجودی: گمراهی وجود دارد.
۴۸	دَعُ عَنْكَ مَنْ مَالَتْ بِهِ الرَّمِيَّةُ (نامه ۲۸).	پیش‌انگاری وجودی: نافرمانی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: تبعیت از گمراهان مردود است.
۴۹	الدَّهْرُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الْأَمَالَ (حکمت ۶۹).	پیش‌انگاری وجودی: پیر شدن وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: آرزو وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: روزگار فریب کار است.
۵۰	الدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ (نامه ۷۲).	پیش‌انگاری وجودی: سود وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: ضرر وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: خوشی‌های دنیا موقتی و گذرا است.
۵۱	رَأَى الشَّيْخُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جِلْدِ الْغُلَامِ (حکمت ۸۳).	پیش‌انگاری وجودی: اندیشه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد پیش‌انگاری ساختاری: تجارب بزرگان دوست- داشتنی‌تر و ارزشمندتر است.

۵۲	رُبَّ بَعِيدٍ أَقْرَبُ مِنْ قَرِيبٍ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری ساختاری: سودرسانی بر اساس دوری یا نزدیکی نیست.
۵۳	رُبَّ قَوْلٍ أَتَقَدُّ مِنْ صَوْلٍ (حکمت ۳۸۸).	پیش‌انگاری وجودی: کلام وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: هجوم وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: گفتار همچون شمشیر برنده است.
۵۴	رُبَّ مَلُومٍ لَا ذَنْبَ لَهُ (نامه ۲۸).	پیش‌انگاری وجودی: گناه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: سرزنش وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: سرزنش کردن باید سنجیده و بجا باشد.
۵۵	رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: حق وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: حق قابل برگشت است.
۵۶	رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ (حکمت ۳۰۶).	پیش‌انگاری ساختاری: در مجازات کردن رعایت اعتدال ضروری است.
۵۷	رَكَبَ الْجَهْلُ مَرَاكِبَهُ (خطبه ۱۰۷).	پیش‌انگاری وجودی: نادانی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: (رکب) آمادگی برای انجام کار مانند سوار شدن بر مرکب برای حرکت است.
۵۸	رَكِبْنَا أَعْجَازَ (حکمت ۲۱).	پیش‌انگاری وجودی: سختی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: برای رسیدن به هدف، تحمل سختی ضروری است.

۵۹	رَمَى بِأَفْوَقٍ (خطبه ۶۸).	پیش‌انگاری ساختاری: بدون وجود یاران ثابت قدم حرکت به سوی هدف، اشتباه است.
۶۰	زَرَعُوا الْفُجُورَ وَسَقَوْهُ الثُّرُورَ وَحَصَدُوا الثُّبُورَ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: کشت محصول وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: برداشت محصول وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فسق و فجور وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: سستی و هلاکت وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: نافرمانی از دستورات الهی تبعات دارد. پیش‌انگاری ساختاری: هلاکت نتیجه سرکشی است. پیش‌انگاری ساختاری: (زَرَعُوا) و (حَصَدُوا) حيله و نیرنگ نتایج ناپسندی در پی دارد.
۶۱	سُرُوحُ عَاهَةِ بَوَادٍ وَعَثٍ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری وجودی: فراموشی و نسیان وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: دنیا‌عامل فراموشی از قیامت و رستخیز است.
۶۲	السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ (خطبه ۸۵).	پیش‌انگاری وجودی: خوشبختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: پند و اندرز وجود دارد. پیش‌انگاری واقعیت ناپذیر: هرکسی از پند‌گیری رویگردان شود به سعادت نمی‌رسد.

۶۳	پیش‌انگاری وجودی: همسایه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: لازمه موفقیت در کار، مشورت از دیگران است. سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ (نامه ۳۱).
۶۴	پیش‌انگاری وجودی: زمان پیدایش یاران واقعی نامعلوم است. سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ (خطبه ۱۲).
۶۵	پیش‌انگاری وجودی: غم و محنت وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: شادی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: احوال انسان همواره به یک شکل نیست و تغییر پذیر است. شَتَّانَ مَا يَوْمِي عَلَى كُورِهَا (خطبه ۳).
۶۶	پیش‌انگاری ساختاری: انسان با تحمل سختی‌ها شایسته پذیرش مدارج بالاتر می‌شود. شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ (خطبه ۱۵۰).
۶۷	پیش‌انگاری وجودی: جنگ وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: چابکی لازمه موفقیت در کار است. شُدُّوا عُقْدَ الْمَآزِرِ (خطبه ۲۱۱).
۶۸	پیش‌انگاری وجودی: بدی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: هر عملی نتیجه و بازتاب خود را دارد. الشَّرُّ بِالشَّرِّ مُلْحَقٌ. بد به بدی پیوندد. (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۱۰۷۰) (نامه ۶۹).
۶۹	پیش‌انگاری وجودی: شفیع وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: درخواست‌کننده وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: یاری‌کننده همواره خیرخواه است. الشَّفِيعُ جِنَاحُ الطَّالِبِ (حکمت ۶۰).

۷۰	شَقِيقَةُ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ (خطبه ۳).	پیش‌انگاری ساختاری: سخن نابجا همانند صدای بی موقع شتر است.
۷۱	الشَّقِيُّ مَنْ أَخْدَعَ لِهَوَاهُ وَ غُرُورِهِ (خطبه ۸۵).	پیش‌انگاری وجودی: بدبختی وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: فریبکاری وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: هوای نفس وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: هوشیاری انسان در برابر خواسته‌های ناپسند ضرورت دارد.
۷۲	الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى (حکمت ۶۵).	پیش‌انگاری وجودی: سپاسگزاری وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: بی‌نیازی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: شرط رسیدن به بی‌نیازی شکرگذاری در برابر نعمت‌ها است.
۷۳	صَاحِبُ السُّلْطَانِ كَرَائِبِ الْأَسَدِ (حکمت ۲۵۵).	پیش‌انگاری وجودی: پادشاه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: همنشینی با پادشاه، نیاز به مراقبت و احتیاط دارد.
۷۴	صَاحِبُهَا كَرَائِبِ الصَّعْبَةِ (خطبه ۳).	پیش‌انگاری ساختاری: افرادی هستند که مصاحبت با آنها در هر صورت زیان‌بار است.
۷۵	صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعَقُورِ (خطبه ۱۰۷).	پیش‌انگاری ساختاری: روزگار درنده است. پیش‌انگاری ساختاری: انسان همواره باید از فریب دنیا برحذر باشد.
۷۶	صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ (خطبه ۱۰۹).	پیش‌انگاری وجودی: احسان وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: ذلت و خواری وجود دارد.

		پیش‌انگاری ساختاری: انسان با نیکی نمودن از خواری مصون است.
۷۷	الصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانَ (خطبه ۸۶).	پیش‌انگاری ساختاری: ظاهر نمی‌تواند بیانگر نیت درونی باشد.
۷۸	ضَاقَ الْمَخْرُجُ وَعُمِيَ الْمَصْدَرُ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: فتنه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: شرایط همواره بر موافق با خواسته انسان نیست.
۷۹	ضَحَّ رَوَيْدًا (نامه ۴۱).	پیش‌انگاری ساختاری: شتاب نمودن در انجام کارها جایز نیست.
۸۰	الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ (خطبه ۱۶).	پیش‌انگاری وجودی: راه وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: میانه روی بهترین انتخاب برای انجام هر کاری است.
۸۱	ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ (حکمت ۲۵).	پیش‌انگاری ساختاری: سنجیده سخن گفتن مانع از آشکار شدن اسرار می‌شود. پیش‌انگاری وجودی: راز وجود دارد.
۸۲	الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ (خطبه ۱۰۲).	پیش‌انگاری وجودی: دانا وجود دارد. پیش‌انگاری واقعیت ناپذیر: عدم شناخت ارزش و بهای وجودی خویش نادانی است.
۸۳	عَالِمُهَا مُلْجَمٌ وَجَاهِلُهَا مُكْرَمٌ (خطبه ۲).	پیش‌انگاری وجودی: فتنه وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: نادانی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: فتنه‌ها عامل گمراهی انسان‌ها هستند.

۸۴	پیش‌انگاری وجودی: فقر وجود دارد. پیش‌انگاری وجودی: پاکدامنی وجود دارد. پیش‌انگاری ساختاری: پاکدامنی فقر را از بین می‌برد. پیش‌انگاری ساختاری: پاکدامنی زینت است. پیش‌انگاری ساختاری: پاکدامنی نوعی پوشش است.	الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ (حکمت ۶۵).
۸۵	پیش‌انگاری ساختاری: مرگ حقیقتی انکار ناپذیر است. پیش‌انگاری ساختاری: سرنوشت همه انسان‌ها به نیستی ختم می‌شود.	عَلَى أَثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي (خطبه ۹۸).
۸۶	پیش‌انگاری ساختاری: اتمام حجت خداوند با انسان‌ها مستلزم گذشت زمان است.	عَلَى ذَلِكَ نَسَلَتْ الْقُرُونُ (خطبه ۱).
۸۷	پیش‌انگاری ساختاری: بی‌بهره ماندن از حق خود در حکومت، مانند غذا خوردن از ته دیگ است که بی‌فایده است.	عَلَى وَصَرٍ مِنْ ذَا الْإِنَاءِ قَلِيلٌ (خطبه ۲۵).
۸۸	پیش‌انگاری ساختاری: با تحمل سختی‌ها به آسایش می‌توان رسید و مورد تمجید قرار گرفت. پیش‌انگاری وجودی: سختی وجود دارد.	عِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى (خطبه ۱۵۹).
۸۹	پیش‌انگاری ساختاری: پیروی از نادان و بی‌خرد مورد نکوهش است. پیش‌انگاری وجودی: نادان وجود دارد.	غَرَضٌ لِنَابِلٍ وَ أَكْلُهُ لَلْأَكْلِ وَ فَرِيَسَةٌ لِّصَائِلٍ (خطبه ۱۴).

۹۰	پیش‌انگاری وجودی: غریب وجود دارد.
الْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَبِيبٌ (نامه ۳۱).	پیش‌انگاری ساختاری: بدون داشتن دوست و همراه، انسان همواره در غربت است.

نتیجه

از مطالعه و خوانش کاربردشناختی ضرب‌المثل‌های نهج‌البلاغه، در پرتو پیش‌انگاشت‌ها، نتایج زیر به دست آمد:

۱. امام (ع) در مسیر دستیابی به معانی پنهان، از طریق شیوه‌هایی مانند: اشاره به ماهیت حقیقی امور، ذکر جزئیات، ذکر معیار و ملاک، بیان وظایف شخصی و تکالیف دینی، تبیین وظایف انسانی در قبال دیگران، حمل معانی گسترده و پنهان ذیل یک مسئله، ذکر ابعاد فردی و اجتماعی یک موضوع، اشاره به منشأ رذایل و فضائل و آثار زیان‌بار و مفید آنها، ارائه اطلاعات کامل و همه‌جانب مخاطب را به تدبیر و تعمق در مسائل دعوت و به تدبیر در عمق واژگان و ساختار جملات تشویق می‌نماید. ایشان در این مسیر از ابزار زبانی همچون انتخاب کلمات برجسته با گنجایش مفهومی بالا، تشریح پیش‌انگاری‌های وجودی، ساختاری و گاه واقعیت‌پذیر و واقعیت ناپذیر مخاطب را بیش از پیش متمایل به تعمق در این امثال می‌نماید.

۲. پس از بررسی‌های انجام شده و توضیح انواع پیش‌انگاشت در نمونه‌های ارائه شده از امثال، این نتیجه حاصل شد که در هر عبارت با وجود پیش‌انگاری وجودی ثابت، پیش‌انگاری‌های ساختاری متناسب با موضوع وجود دارد، تا به شکل بهتر و کامل‌تری به پرسش‌های ذهنی مخاطب پاسخ داده شود. به بیانی دیگر، علاوه بر وجود پیش‌انگاری وجودی به عنوان زیرساختی محکم جهت فراهم آوردن زمینه جلب اعتماد مخاطب و تأثیرپذیری او، پیش‌انگاری‌های مرتبط دیگری نیز به فضای گفتگو اضافه می‌شود. آنچه اهمیت مضاعف می‌یابد، کیفیت تأثیرگذاری پیش‌انگاری‌ها است.

۳. پیش‌انگاری‌ها با انواع گوناگون خود، به درک نهج‌البلاغه و افشای اسرار آن و میزان تأثیر آن بر مخاطب کمک می‌نمایند و امکان خوانش جدیدی را فراهم می‌نمایند. اما با این وجود به نظر می‌رسد پیش‌انگاری وجودی و ساختاری بیش از انواع دیگر، توانسته است مخاطب را بیشتر به تفکر و تعمق در ورای معانی پوشیده دعوت نماید.

کتابنامه

۱. قرآن کریم

۲. آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان های رادیو، چاپ اول، تهران: طرح آینده.

۳. ----- (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی). تهران: علم.

۴. البرزی، پرویز. (۱۳۸۶). زبان‌شناسی متن، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۵. بن ظافر الشهري، عبدالهادي. (۲۰۰۴). استراتيجيات الخطاب، مقارنة لغوية تداولية، ليبيا: دار الكتاب الجديد.

۶. حسینی، محمد باقر؛ نوروزی، علی؛ ناظری، حسین؛ نقشبندی، حامد. (۱۳۹۴). «نگاهی به امثال و حکم در ادب خراسان (قرن ۴ و ۵)»، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوازدهم، بهار و تابستان. صص ۲۳۰-۲۰۷
Doi: 10.22067/jall.v7i12.54442

۷. صفوی، کورش. (۱۳۹۰). درآمدی بر معناشناسی، چاپ ۴، تهران: انتشارات سوره مهر.

۸. صیادی نژاد، روح‌الله؛ امیری، شهرام؛ ذکایی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). «شگردهای زبانی (دستوری و آوایی) متنی در اقناع از منظر پراگماتیس»، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره هجدهم، بهار و تابستان. صص ۱۱۹-۱۴۷
Doi: 10.22067/jall.v8i15.44901

۸. فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۸۶). ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.

۹. قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۹). معناشناسی، ج ۱ و ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰. یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). درآمدی به گفتمان‌شناسی، چاپ ۴، تهران: هرمس.

۱۱. یول، جورج. (۱۳۸۳). کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سمت.

References

The Holy Quran

Aghagolzadeh, F. (1389). Analysis of radio discourses, first edition, Tehran: future plan.

[in Arabic]

Aghagolzadeh, F. (1391).

Legal linguistics (theoretical and applied), Tehran: Alam. Al Barzi, Parviz. (1386).

Text Linguistics, Tehran: Amir Kabir Publications. [in Arabic]

Bin Zafar al-Shahri, A, H. (2004). Al-Khattab strategies, Tadawul lexical comparison, Libya: Dar al-Katab al-Jadeed Al-Muhamedes. [in Arabic]

Faizul Islam, A, N. (1386). Translation and Commentary of Nahj al-Balagheh, Tehran: Faqih Printing and Publishing Organization. [in Arabic]

Hosseini, M, B; Nowrozi, A; Nazeri, H; Naqshbandi, H. (1394). A look at proverbs and rulings in Khorasan literature (4th and 5th centuries). Arabic language and literature magazine (scientific biannual), number 12, spring and summer.

[Doi:10.22067/jall.v7i12.54442](https://doi.org/10.22067/jall.v7i12.54442) [in Persian]

Ghaemini, A,R. (2019). Semantics, Volumes 1 and 2, Qom: Hozha Research Institute and University. [in Arabic]

Safavi, K. (1390). An introduction to semantics, 4th edition, Tehran: Surah Mehr Publications. [in Arabic]

Sayadinejad, R; Amiri, S; Zakaie, A, H. (1397). Linguistic tricks (grammatical and phonetic) of Monetbi in persuasion from the perspective of pragmatism, Arabic language and literature magazine (two scientific quarterly), number 18, spring and summer

[.Doi:10.22067/jall.v8i15.44901](https://doi.org/10.22067/jall.v8i15.44901). [in Persian]

Yarmohammadi, L. (2013). An introduction to discourse studies, 4th edition, Tehran: Hermes. [in Arabic]

Yule, G. (1383). Language usage, translated by Mohammad Amozadeh and Manouchehr Tawanger. Tehran: Side. [in Arabic]